

## از منشور کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ پیش از میلاد تا

### ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ سالگرد اعلامیه ی حقوق بشر

#### تورج پارسی

دهم دسامبر برابر با نوزدهم آذر یعنی یازده روز مانده به جشن یلدا، زاد روز میترا یا مهر که ایزد پیمان و دوستی، جشن نور و شادی، پیروزی نور بر تیرگی است. دهم دسامبر سالروز اعلامیه ی جهانی حقوق بشر است. اعلامیه ای که نشانواره ی خرد پویا و وجدان آگاه بشریت است، رخت بلند بالایی قامت انسانی بدون در نظر گرفتن رنگ، دین، عقیده ی سیاسی، جنسیت و .. که از ویژگی بسیار چشمگیرش محتوای غیر دینی آنست. اعلامیه ای که انسان خود را در آن معنا کرده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد پس از خاموش شدن آتش بی امان جنگ دوم (۴۵-۱۹۳۹ م) که ۲۷ میلیون زخمی، ۵۵ میلیون کشته، نابودی کشورها و شهرها و ۵/۱ تریلیون دلار خسارت مالی به بار آورد، در روز دهم دسامبر ۱۹۴۸ برابر با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ خورشیدی اعلامیه ی حقوق بشر را تصویب کرد. شایان توجه است که بر پایه ی اطلاعاتی که از حدود سال ۱۹۴۱ میلادی یعنی يك سال پس از آغاز جنگ، در مورد قلمرو جنایات نازی ها به خارج درز کرد، فکر بنیان و کارایی سازمان ها و تعهدات بین المللی برای حفظ صلح جهانی جان گرفت (منشور اتلانتیک در آگوست ۱۹۴۱، اعلامیه ملل متحد در ژانویه ۱۹۴۲ و پیشنهادات دامبارتون اوکس برای تاسیس سازمان ملل متحد در سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۴) و منجر به تصویب اعلامیه ی حقوق بشر گردید.

این اعلامیه که از يك مقدمه و سي ماده شکل گرفته است. در مقدمه اش تکیه " بر شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام اعضاي خانواده بشري " دارد و تاکید می کند که " حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است " در این اعلامیه انگشت بر عللی که " اقدامات وحشیانه اش " می نامد می گذارد که باعث "آشفته گی وجدان بشري " می شوند. مجمع عمومی این اعلامیه را " ارمان مشترك تمام مردمان و ملت ها " اعلام می کند.

در نخستین ماده که در واقع کلید، شالوده و ساقه ی اصلی اعلامیه است " تمام افراد بشر آزاد زاده می شوند " در نتیجه " از لحاظ حیثیت و حقوق برابرند " این ویژگی ها بر آیند این است که همگی افراد بشر " دارای خرد و وجدان " هستند.

با این حساب " هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد " ماده ۳، پس هر گز " نباید هیچ کس را در بردگی یا بندگی نگاه داشت " ماده ۴

و در ماده ۲: هر کس می تواند بی هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده و سیاسی یا هر عقیده دیگر، و همچنین منشا ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه

آزادی‌های ذکرشده در این اعلامیه بهره مند گردد.

وظیفه فرد را نیز در ماده ی ۲۹ اصل يك مشخص ساخته است " هر فردي فقط در برابر آن جامعه اي وظایفي بر عهده دارد که رشد آزادانه همه جانبه ی او را ممکن مي سازد "

ماده سي يا ماده پایاني براي جلوگیری از هرگونه تفسیر ي که آزادي هاي مندرج در اعلامیه را از میان ببرد آورده شده است

"هیچیک از مقررات اعلامیهء حاضر نباید چنان تفسیر شود که برای هیچ دولت، جمعیت یا فردی متضمن حقی باشد که به موجب آن برای از بین بردن حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه فعالیتی انجام دهد یا به عملی دست بزند."

در اینجا نیاز مي بیند که از منشور حقوق شهروندی یا منشور کبیر (۱۶۸۹ م) انگلیس اعلامیه استقلال امریکا (۴ جولای ۱۷۷۶ م) اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۲۶ اگوست ۱۷۸۹ که تدریجاً حقوقی که در اعلامیه پیش بینی شده بود وارد حقوق موضوعه شدند) به عنوان پیش درآمدهای اعلامیه ی حقوق بشر یادی بشود .

اما اگر با بینایی و دانایی به وجدان تاریخ گوش فرا دهیم از دور دست تاریخ صدایی به گوش می رسد که به واسطه ی ویژگیش ماندگار گشته است آیا این نخستین اعلامیه ی حقوق بشر در راستای تاریخ زیست بشر نیست که در سال ۵۳۹ پیش از میلاد در بابل صادر شده است:

**منم کوروش، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهارگوشه ی جهان. پسر کمبوجیه، شاه بزرگ ... نوه ی کورش، شاه بزرگ ... نیره ی پیش پیش، شاه بزرگ ...**

آنگاه که بدون جنگ و پیکار وارد بابل شدم، همه ی مردم گام های مرا با شادمانی پذیرفتند. در بارگاه پادشاهان بابل بر تخت شهریاری نشستم، مردوک خدای بزرگ دل های پاک مردم بابل را متوجه من کرد... زیرا من او را ارجمند و گرامی داشتم.

ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

وضع داخلی بابل و جایگاه های مقدسش قلب مرا تکان داد... من برای صلح کوشیدم. من برده داری را برانداختم، به بدبختی های آنان پایان بخشیدم.

فرمان دادم که همه ی مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچکس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند.

مردوک خدای بزرگ از کردار من خشنود شد... او برکت و مهربانی اش را ارزانی داشت. ما همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم...

من همه ی شهرهایی را که ویران شده بود از نو ساختم. فرمان دادم تمام نیایشگاههایی را که بسته شده بود، بکشایند. همه خدایان این نیایشگاه ها را به جاهای خود بازگرداندم.

همه ی مردمانی را که پراکنده و آواره شده بودند، به جایگاه های خود برگرداندم و خانه های ویران آنان را آباد کردم.

همچنین پیکره خدایان سومر و اکد را که نبونید بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی مردوک خدای بزرگ و به شادی و خرمی به نیایشگاه های خودشان بازگرداندم، باشد که دل ها شاد گردد.

بشود که خدایانی که آنان را به جایگاه های مقدس نخستین شان بازگرداندم، هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم زندگانی بلند خواستار باشند...

من برای همه ی مردم ، جامعه ی آرام آماده ساختم و صلح و آرامش را به تمامی مردم هدیه کردم."

در این فرمان ( ۵۳۹ پیش از میلاد ) انسان و اعتبارش معنا شده و از همین دیدگاه ، فرمان قدرت اجرایی یافته است ، در اعلامیه استقلال امریکا ( ۱۷۷۶م ) آمده است که " ما این حقایق را از بدیهیات می دانیم که همگی مردم مساوی آفریده شده اند " پرسش این است که در عصر باستان هم تساوی انسان ها از بدیهیات بود ؟ آن زمان که بخت النصر و آشوریانپال از اینکه هستی را به نیستی بکشانند سرمست می شدند . کافی است گوش تیز کنیم تا فریاد زنان ، کودکان ، پیران ، جوانان ، درختان ، حیوانات و حتا خاک و آب شوش و... به گوش برسد ، واما کوروش وارد بابل می شود : ارتش بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.، من برای صلح کوشیدم. من برده داری را برانداختم، به بدبختی های آنان پایان بخشیدم.

Lord Acton تا ریخ شناس انگلیسی ( ۱۹۰۲ \_ ۱۸۳۴ ) درباره ی اعلامیه ی حقوق بشر و حقوق شهروندی مصوب انقلاب فرانسه گفته بود: «این دو برگ کاغذ، از تمام کتابخانه ها و کل ارتش ناپلئون سنگین تر است». آیا واژگان کوروش ، آیا سرود نو آیین شهریار روشنایی را، کسی که " عزت و آزادی را به خواب و خانه ی مرمان آورد " با کدام معیار باید سنجید ؟

"این کتیبه را به نوترین خط خداوند نوشته ام ،

نوشته ام تا قانون بر قبیله ی آدمی فرمان براند " علی صالحی کتاب شعر منم کوروش شهریار روشنایی ها

آیا آرامگاه این بیدار خفته در خاک پاسارگاد" که در ژرفای نیک اندیشی

بر بام بلند آبروی انسان ایستاد

و بردگی و خفت را بر انداخت" از شعر کوروش صدای جاری زمان ، تورج پارسی

نباید زیارتگاه قبیله ی آدمی باشد که هرساله به دیدارش بیایند ، دریغا دریغا ، که ما قبیله ی آدمی که او " عزت و آزادی را به خواب و خانه مان آورد "

اینک گرفتار این دغدغه ایم ، دغدغه ی آب و سد ، آب که آبادانی است و در فرهنگ مان معتبرست قد به تخریب آرامگاه شهریار روشنایی علم کرده است . آنان که آب را به تخریب وادارند باید بدانند که :

## راستي بر دروغ چيره خواهد شد .

از راه دور در برابرپاسار گاد آرامگاه كوروش هخامنشي فرزند ماندانا و كمبوجيه ، آنكه خواست قانون بر قبيله ي آدمي فرمان براند ، كلا از سر برداشته و به فروهرش درود مي فرستيم . و درود مي فرستيم به همه ي اناني كه با وجدان بيدار در روز دهم دسامبر ۱۹۴۸ پاي اعلاميه حقوق بشر را امضا كردند .

**Cyrus the Great Cylinder Babylon ,539 BC**

**The First declaration of Human Right**